



## تقریرات درس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

جلسه‌ی هفتاد و دوم؛ دوشنبه ۱۳۹۱/۱۲/۲۱

### جریان اصالة الصحة در فعل مسلمین

مرحوم شیخ رحمته می‌فرماید: اگر مقصود از جریان اصالة الصحة در فعل مسلم، از حیث فعل مسلمین باشد - به این معنا که در آنچه از جائز از عائدات اراضیهی خراجیه به آنها می‌رسید تصرف می‌کردند و یا این که بر اساس خراجی بودن زمین با سلطان معامله می‌کردند - این تصرف و معامله دو حالت می‌تواند داشته باشد:

۱. می‌دانیم از روی عدم مبالات و بدون احراز موضوع، تصرف می‌کردند؛ یعنی اهمیت نمی‌دادند مالی که سلطان به عنوان خراج می‌دهد فی الواقع مال خراجی است یا نه، و اگر مال خراجی است به نحو شرعی اخذ شده یا خیر، در چنین جایی که می‌دانیم فردی بدون احراز موضوع اقدام به عملی می‌کند و فقط غرض او به دست آوردن مال می‌باشد، اصالة الصحة جریان ندارد.

و اگر گفته شود گرچه شخصاً احراز موضوع نمی‌کردند ولی [از علمائی که آن زمین را زمین خراجی می‌دانستند تقلید می‌کردند یا] چون علماء نسبت به تصرفاتی که آنان انجام می‌دادند اعتراضی نمی‌کردند، همان را دستاویز صحت عملشان قرار می‌دادند. بنابراین فعل آنان قابل حمل بر صحت می‌باشد.

مرحوم شیخ رحمته در پاسخ به این کلام به «لم ینفع»<sup>۱</sup> اکتفاء می‌کنند و وجهی را برای آن ذکر نمی‌کنند.

۱. کتاب المکاسب، ج ۲، ص ۲۴۲:

و إن أريد بفعل المسلم تصرف المسلمین فیما یتناولونه من الجائر من خراج هذه الأرض، ففیه: أنه لا عبرة بفعلهم إذا علمنا بأنهم لا یعلمون حال

شاید وجهی که مورد نظر شیخ بوده این که نظر صاحب نظران و علمای آنان بر جواز تصرف بوده است، در حالی که نظر آنان برای ما حجیتی ندارد و ما مقلد آنان نیستیم.

۲. احتمال می‌دهیم مسلمانانی که تصرف در اموال خراجیه می‌کردند، موضوع را به نحو شرعی احراز می‌کردند، مرحوم شیخ در این فرض می‌فرماید: اصالة الصحة جاری است ولی نتیجه‌ی این اصالة الصحة آن است که معامله با آنان در آنچه به عنوان اموال خراجیه گرفته‌اند جایز است، ولی [اثبات جواز تناول از ید سلطان نمی‌کند و] اثبات نمی‌کند آنچه به عنوان اموال خراجیه گرفته‌اند، فی الواقع خراجیه بوده و در نتیجه آن اراضی، اراضی خراجیه بوده است.

### بررسی کلام شیخ رحمته الله

همان‌طور که بیان کردیم، اصالة الصحة دو معنا دارد:

یکی مضمون روایاتی است که می‌فرماید: «ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ»؛ یعنی مادامی که محتملی برای عمل برادر مؤمنت می‌یابی، او را به حرام نسبت نده. اصالة الصحة به این معنا فقط نفی ارتکاب حرام از برادر مؤمن می‌کند و نمی‌تواند چیزی را اثبات کند. بنابراین اگر هم جاری باشد، دردی را دوا نمی‌کند. دیگری در باب عقود و معاملات کاربرد دارد و آن این که وقتی شک می‌کنیم عقدی که واقع شده آیا شرط صحت آن مانند غرری نبودن، عربیت (در مواردی که شرط عربیت کردیم) و ... رعایت شده است یا نه، حمل بر صحت می‌شود و التزام به صحت عقد پیدا می‌کنیم.

اصالة الصحة به این معنا می‌تواند در ما نحن فيه جریان داشته باشد؛ چراکه مسلمانان در مورد اراضی خراجیه با سلطان قرارداد می‌بستند و اموال خراجی را با سلطان معامله می‌کردند یا اگر هبه می‌داد یا اباحه می‌کرد، از آن استفاده می‌کردند، پس اصالة الصحة به معنای دوم می‌تواند در معاملاتشان جاری باشد.

اما آیا اصالة الصحة به این معنا در معاملات مسلمین جاری است یا خیر؟ همان‌طور که مرحوم شیخ رحمته الله

---

هذه الأراضی، كما هو الغالب فی محلّ الكلام؛ إذ نعلم بفساد تصرفهم من جهة عدم إحراز الموضوع. ولو احتمل تقليدهم لمن یری تلك الأرض خراجية لم ینفع. و لو فرض احتمال علمهم بكونها خراجية كان اللازم من ذلك جواز تناول من أیدیهم لا من ید السلطان، كما لا یخفی.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۲، تنمة کتاب الحج، أبواب أحكام العشرة فی السفر والحضر، باب ۱۶۱، ح ۳، ص ۳۰۲ و الکافی، ج ۲، ص ۳۶۲؛ وَعَنْهُمْ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا] عَنْ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو حَدَّثَهُ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي كَلَامٍ لَهُ: ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمَلًا.

فرمودند، اگر بدانیم هیچ اعتنایی به شروط و ضوابط شرعی نداشتند و فقط هدفشان استفاده از مال خراج بوده، در چنین صورتی اصالة الصحة جاری نمی‌شود، هر چند احراز این که مردم این چنین بودند - علی رغم این که شیخ می‌فرماید «و هو الأغلِب» - انصافاً مشکل است.<sup>۱</sup>

در صورتی هم که احتمال دهیم رعایت ضوابط می‌کردند - و فی الجمله رعایت می‌کردند - باز اصالة الصحة در عقود و معاملات با سلطان جاری نیست؛ چون اصالة الصحة در معامله‌ای جاری می‌شود که ارکان عقد در آن تمام باشد و یکی از ارکان عقد این است که طرف قرارداد، ولایت بر آن شیئی که موضوع عقد است داشته باشد و تا صحّت ارکان عقد احراز نشود، اصالة الصحة نمی‌تواند جاری شود؛ مثلاً اگر کسی ماشینی را که در خیابان پارک شده، بدون این که بر آن ید داشته یا مثبت ملکیت دیگری داشته باشد به شخصی بفروشد و ناظر این عقد شک کند این عقد صحیح است یا نه، نمی‌تواند اصالة الصحة جاری کند؛ چون احراز ولایت بایع نکرده است.

در اراضی خراجیه نیز چون یک طرف قرارداد سلطان است در حالی که ولایت شرعی بر این اراضی ندارد، پس اصالة الصحة جاری نیست؛ چون عقد، قائم به دو طرف است و با عدم صلاحیت یک طرف، عقد باطل خواهد بود و اصلاً شکی باقی نمی‌ماند تا اصالة الصحة جاری شود. بله اگر بدانیم در جایی شیعه‌ای قراردادی با سلطان جائر بسته، قابل حمل بر صحّت است.

اشکال دیگری که در تمسک به اصالة الصحة - هم نسبت به فعل سلطان و هم نسبت به فعل مسلمین - در این جا وجود دارد آن است که اگر ثابت شود فقهای عامه بعضی از اراضی غیر مفتوح العنوه را نیز خراجیه می‌دانستند و سلطان یا مردم ملتزم به آن نظر بودند و به آن عمل می‌کردند، در چنین مواردی تمسک به اصالة الصحة مورد تردید است؛ زیرا گرچه علی الفرض لأبالی نیستند و رعایت ضوابط می‌کنند، اما معیارهایی که دارند با معیارهای ما متفاوت است. در چنین جایی که معیارشان با ما متفاوت است اگر شک کنیم معیار باطلشان را اعمال کرده‌اند یا معیار صحیح‌شان را، این که با اصالة الصحة بتوانیم ثابت کنیم معیار صحیح را اعمال کرده‌اند جای تردید دارد.

و این نظیر آن است که کسی اجتهاداً یا تقلیداً قائل است در نماز جماعت صرف تهیؤ برای اتصال کافی نیست و باید اتصال از طریق صف جلو یا نفر کناری محقق باشد تا بتواند اقتدا کند، حال اگر در نماز

---

۱. در این زمان با وجود این که ولی فقیه در رأس است و شورای نگهبان بر قوانین نظارت دارد، باز بعضی شاذاً در جواز استفاده از یارانه‌ها سؤال می‌کنند، چه برسد به مسأله‌ای که مورد نقاش باشد. عامه نیز در مسلک خودشان رعایت ضوابط می‌کنند.

جماعتی دید همه اقتدا کرده‌اند ولی شک می‌کند آیا به صرف تهیّو وارد نماز شده‌اند - چون می‌دانیم آن‌ها اجتهاداً یا تقلیداً قائل به کفایت صرف تهیّو هستند - یا با اتصال صحیح، جریان اصالة الصحة در چنین جایی جای تأمل دارد؛ چون همان‌طور که بیان کردیم اصالة الصحة مدرک لفظی که دارای اطلاق باشد ندارد، بلکه منشأ آن سیره‌ی عقلاء، سیره‌ی متشرعه و امضاء فی الجملة‌ی شارع است که قدر متیقن آن جایی است که شک کنیم آیا عمل را به نحو صحیح طبق معیار خودش - نه طبق معیار ما - انجام داده یا خیر. پس اگر شک کنیم آیا به نحو صحیح طبق معیار ما انجام داده یا خیر، با اصالة الصحة نمی‌توانیم بگوییم عمل را به نحو صحیح واقعی - که طبق معیار ماست - آورده است.

**مثال دیگر:** مجتهدی که قائل است آب قلیل، حکم آب کرّ را دارد و با صرف ملاقات نجس، متنجس نمی‌شود - مگر آن‌که رنگ، بو، یا مزه‌ی آن تغییر کند - اگر احتمال دهیم از آن آب قلیلی که ملاقات با نجس پیدا کرده بود غسل کرده و وضو گرفته، با اصالة الصحة نمی‌توانیم احراز کنیم وضوء و غسلش و در نتیجه نمازش صحیح است، پس نمی‌توانیم به او اقتدا کنیم.

بنابراین در ما نحن فیه هم که خلفاء و اکثر مردم از عامه بودند و معیار تصرفشان با معیار ما تفاوت داشته، نمی‌توان فعل آنان را حمل بر صحت کرد، به گونه‌ای که منطبق با معیارهای ما باشد. بله اگر بدانیم شیعیان نسبت به بعضی اراضی معامله‌ی مفتوح العنوة می‌کردند، اشکال وارد نیست و تنها اشکالی که بر آن وارد است این است که این اصالة الصحة صرفاً اثبات می‌کند که تصرف در اموال باقی مانده از آنان برای ما جایز است، ولی دیگر اثبات نمی‌کند آن زمینی که این اموال از آن اخذ شده، خراجیه می‌باشد.

تقریر متن: عبدالله امیرخانی

استخراج منابع و روایات: جواد احمدی